



Working Children's Perceptions of Sources of Hope for Life: A Qualitative Study in Kermanshah


Ali Maghoulan¹

 0009-0007-9629-2771

Maryam Amiri²

 0009-0005-7083-0741

Mohsen mgolmohammadian(Ph.D.)³

 0000-0001-7739-0316

Abstract

The present study aimed to identify the perceptions of working children residing in Kermanshah regarding their sources of hope for life. This qualitative study employed a phenomenological approach and was conducted in 2024. Semi-structured interviews were conducted with 12 working children, who were selected using criterion-based purposeful sampling until theoretical saturation was reached. The data were analyzed using Colaizzi's seven-step phenomenological analysis method. The results of the interview analysis revealed that working children's sources of hope are categorized into two main groups: "external" and "internal." Their external sources included "external support as a reassuring factor" and "family as a motivating factor." Their internal sources, on the other hand, encompassed "self-perception as the sole effective agent for improving conditions," "clear perception of goals and their feasibility," and "universalizing human suffering as a shield against despair." These were identified as sub-themes within the two main categories. It can be stated that external sources of hope act as the starting point for the cycle of hope in working children's lives, while internal sources of hope serve as the sustaining point for this cycle. It is suggested that the findings of this research be utilized for educational and counseling interventions aimed at enhancing hope for life in working children, and that group therapy be effectively employed to sustain their hope for life.

Keywords: Child labor, Sources of hope for life, Phenomenology, Hope, Factors Affecting Hope.

1- M.A. in Career Counseling, Department of Counseling, Faculty of Social Sciences, Razi University Kermanshah, Iran. (Corresponding Author) alimaghoolan2019@gmail.com

2- M.A. in Rehabilitation Counseling, Department of Counseling, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. maryam.amiri.2023.new@gmail.com

3- Associate Professor Department of Counseling, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran mgolmohammadian@razi.ac.ir

ادراک کودکان کار از منابع امید به زندگی: یک مطالعه کیفی در کرمانشاه

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۲۵

علی معقولان^۱

مریم امیری^۲

محسن گلمحمدیان^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی ادراک کودکان کار ساکن کرمانشاه از منابع امید به زندگی‌شان بود. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی در سال ۱۴۰۳ انجام گرفت. از ۱۲ کودک کار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به عمل آمد که به روش نمونه‌گیری هدفمند ملاکی و با در نظرگیری اصل اشباع مفهومی انتخاب شده و مورد مصاحبه واقع شدند. داده‌ها به روش تحلیل پدیدارشناختی هفت مرحله‌ای کلایزی تحلیل شدند. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که منابع امید کودکان کار به دو دسته «بیرونی» و «درونی» تقسیم‌بندی می‌شود که منابع بیرونی آن‌ها شامل «حمایت بیرونی به‌عنوان عامل دلگرمی‌بخش» و «خانواده به‌عنوان عامل برانگیزاننده» و همچنین منابع درونی آن‌ها شامل «ادراک خود به‌عنوان تنها عامل مؤثر در بهبود شرایط»، «ادراک شفافیت اهداف و تحقق‌پذیری آن‌ها» و «همگانی دانستن رنج انسانی به‌عنوان سپر ناامیدی» مضامین فرعی این دو مضمون بودند. می‌توان اظهار داشت که منابع بیرونی امید به‌عنوان نقطه شروع چرخه امید به زندگی کودکان کار عمل می‌کنند و منابع درونی امید به‌عنوان نقطه ادامه‌دهنده چرخه امید به زندگی به فعالیت خود در زندگی کودکان کار ایفای نقش می‌نمایند. پیشنهاد می‌شود از یافته‌های این پژوهش جهت انجام مداخلات آموزشی و مشاوره‌ای در راستای ارتقای امید به زندگی کودکان کار و همچنین از گروه‌درمانی در جهت تداوم یافتن امید به زندگی آن‌ها به‌طور مؤثری بهره برد.

۱- کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، گروه مشاوره، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) alimaghoolan2019@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، گروه مشاوره، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. maryam.amiri.2023.new@gmail.com

۳- دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. mgolmohammadian@razi.ac.ir

واژه‌های کلیدی

کودکان کار، منابع امید به زندگی، پدیدارشناسی، امیدواری، عوامل مؤثر بر امید.

مقدمه

طبق تعریف سازمان بین‌المللی کار^۴، کار کودک^۵ به‌عنوان کاری تعریف شده است که کودکان را از دوران کودکی، توانایی و منزلت دور می‌کند و برای رشد جسمانی و ذهنی آن‌ها مضر است. کودکان کار کودکانی هستند که به‌دلیل وجود شرایط نابسامان خانوادگی، اجتماعی و مشکلات فراوان اقتصادی، ساعاتی از عمر خود را به کارکردن در کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و ساختمان‌ها می‌گذرانند و بسیاری از آن‌ها کمک‌خرج خانواده و برخی دیگر خود به‌تنهایی عهده‌دار مخارج خانواده هستند (حیبری، ۱۴۰۱).

بر طبق گزارش‌های سازمان یونیسف، در سال ۲۰۲۰ تعداد کودکان کار به ۱۶۰ میلیون نفر در جهان افزایش یافته است (Unicef Organization, 2021). بر اساس گزارش صندوق کودکان سازمان ملل متحد^۶ کشورهای جنوب صحرای آفریقا به‌دلیل رشد جمعیت، بحران‌های مکرر و فقر شدید بیشترین درصد کودکان کار را دارند که در چهار سال اخیر به ۱۶ میلیون کودک رسیده است (Unicef Organization, 2021). سازمان بین‌المللی کار تعداد ۲۱۸ میلیون نفر از کودکان را در شمار کودکان کار تخمین می‌زند (International Labour Organization, 2018). همچنین تعداد کودکان کار در ایران حدود ۷۰۰۰ نفر تخمین زده شده است (همشهری آنلاین، ۱۴۰۱).

برخی از پژوهشگران بر روی آسیب‌های اجتماعی، روانی، عاطفی و فرهنگی کودکان کار به مطالعه پرداخته‌اند؛ به‌عنوان نمونه، جایاواردانا، بریشنیکوا و چنگ^۷ (۲۰۲۲) با هدف بررسی تأثیر کار کودکان بر روان آن‌ها که بر روی نوجوانان کشور اندونزی انجام گردید به این نتایج دست یافتند که کار کودک به‌طور کلی تأثیر منفی قابل‌ملاحظه‌ای بر وضعیت سلامت روانی نوجوانان دارد؛ همچنین کودکان کار در معرض آسیب‌های روانی از جمله

4. International Labour Organization (ILO)

5. Child labor

6. United Nations Children's Fund

7. Jayawardana, Baryshnikova & Cheng

افسردگی هستند که تأثیر آن بر روی پسران بیشتر از دختران می‌باشد. در پژوهشی که بتول و بیلال^۸ (۲۰۲۲) با هدف بررسی سلامت روانی و جسمانی کودکان کار پاکستانی انجام دادند، به این نتایج دست یافتند که فقر، بیکاری والدین و ترک تحصیل کودکان از دلایل اصلی کار آنها می‌باشد. علاوه بر آن کار کودکان موجب پرخاشگری و ناامیدی آنها می‌گردد. احمدی (۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای با هدف بررسی زمینه‌ها، اشکال و ویژگی‌های آنها در شهر تهران به این نتیجه رسیدند که کار کودکان مجموعه‌ای از آسیب‌های ریز و درشت است که سلامت آنان را در ابعاد مختلف جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی به خطر انداخته است، مانع تحصیل آنان می‌شود و توانمندسازی آنان را با اختلال اساسی مواجه کرده است. در پژوهش پیرخندان، پروین و سیاهپور (۱۴۰۰) با هدف گونه‌شناسی کار کودکان و آسیب‌های ناشی از آن بر کودکان کار در شهر تهران به این نتیجه دست یافتند که بر اساس مطالعات اسنادی و یافته‌های حاصل از مصاحبه با مطلعان کلیدی، کار کودکان دارای تنوع و گستره‌های نگران‌کننده است که آسیب‌های فراوانی را به‌طور مستقیم به کودک و در یک نگاه کل‌نگر به جامعه وارد می‌آورد. احمدوند (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای که با هدف بررسی وضعیت و عوامل تعیین‌کننده کار کودکان در نهاوند و فیروزان انجام پذیرفت، نشان داد که فقر بزرگ‌ترین علت پدید آمدن کودکان کار می‌باشد و واقعیت این است که این کودکان به دلیل شرایط بد اقتصادی خانواده‌هایشان از دنیای کودکی، تفریحات و آموزش بازمی‌مانند و به همین دلیل دچار بحران هویت و عاطفه می‌شوند.

از سوی دیگر، برخی پژوهشگران کودکان کار را از نظر جنبه‌های روان‌شناختی مثبت مورد مطالعه قرار داده‌اند. در مطالعه‌ای که اموخودیون، اموخودیون و ادوسوته^۹ (۲۰۰۶) در ایبادان نیجریه بر روی ۲۲۵ کودک با هدف تعیین دیدگاه کودکان کار از کار کودکان و مزایا و معایب آن و همچنین درک آنان از خود و آرزوهای آینده آنان انجام گرفت، نشان داده شد که آنها کار خود را منبع درآمد و همچنین راهی برای کمک به والدین خود می‌دانند و از سوی دیگر معتقدند کار به آنها کمک می‌کند که در بزرگسالی به افرادی مسئولیت‌پذیر تبدیل

8. Batool & Bilal

9. Omokhodion, Omokhodion & Odusote

شوند. همچنین در پژوهش پاسیاری، رضایی و موسوی^{۱۰} (۲۰۱۹) که در تهران برای پاسخ به این پرسش که کودکان کار چقدر در برابر ناراحتی‌ها مقاوم هستند انجام گرفت، نشان داده شد که کودکان کار نسبت به سایر کودکان تاب‌آوری کمتری دارند. در پژوهش جیجون^{۱۱} (۲۰۲۰) که با هدف بررسی چگونگی ادراک کودکان بولیویایی و اکوادوری از اخلاق کار کودکان انجام گرفت، نشان داده شد که آن‌ها کار خود را اخلاقی می‌دانند و نیاز به مراقبت‌های ویژه ندارند. در پژوهشی که توسط چراغی، خوشنوا، فومانی، عبادی، گارتلند و قائدی^{۱۲} (۲۰۲۱) با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در ۱۷ نفر از نوجوانان شاغل انجام گرفت، نشان داده شد که عوامل فردی، همسالان و مدرسه بیشتر از عوامل خانوادگی و اجتماعی در پرورش تاب‌آوری در میان نوجوانان شاغل مؤثر هستند. در پژوهشی که توسط کاظمی (۱۳۹۶) بر روی ۵۰ نفر از کودکان کار در رشت انجام گرفت، نتایج نشان داد که امید به آینده در کودکان کار، نسبت به همسالان خود کمتر است.

برخی مطالعات در حوزه کودکان کار نیز بر روی مفهوم امید متمرکز شده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، در مطالعه‌ای که توسط سوینج، آیدوگدو، کنچلیک، بینچی و پالابچاک^{۱۳} (۲۰۲۰) با هدف بررسی رابطه بین امید و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در کودکانی که در بازارهای خیابانی در ترکیه کار می‌کنند انجام گرفت، مشخص شد که کودکان بیشتر حمایت اجتماعی را از هم‌کلاسی‌های خود دریافت می‌کنند تا به آینده امیدوار باشند. همچنین در پژوهشی که سیمبر، حسین‌خانزاده و ابوالقاسمی (۱۳۹۸) با هدف مقایسه امید به آینده و روابط دلبستگی در کودکان کار با سایر همسالان انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که شرایط سخت زندگی کودکان کار باعث می‌شود حمایت لازم و کافی را از خانواده دریافت نکنند و این خلأ، باعث شکل‌گیری دلبستگی ناایمن با والدین شده و میزان امید به آینده را در آن‌ها کاهش می‌دهد.

اشنایدر^{۱۴} به‌عنوان پیش‌گام نظریه امید و درمان مبتنی بر آن، امید را شامل دو مفهوم

10. Pasyar, Rezaei & Mousavi

11. Jijon

12. Cheraghi, Khoshnavay Fomani, Ebadi, Gartland & Ghaedi

13. Sevinç, Aydoğdu, Cançelik, Binici & Palabıçak

14. Snyder

می‌داند و آن را بدین صورت تعریف می‌نماید: «توانایی طراحی گذرگاه‌هایی برای رسیدن به اهداف مطلوب به‌رغم موانع موجود یا عاملیت یا عامل انگیزش لازم برای استفاده از این گذرگاه‌ها»؛ بنابراین، امید عامل برانگیزاننده‌ای است که افراد را قادر می‌سازد مسیری را انتخاب کنند که به نتیجه‌ای مثبت می‌انجامد؛ بنابراین، می‌توان اذعان داشت که افراد امیدوار، هدفمند عمل می‌کنند (الله‌بخشی و قمری، ۱۳۹۶). نظریه امید اشنایدر دارای سه بعد تفکر می‌باشد: ۱- تفکر هدف^{۱۵}: این مورد یکی از موارد کلیدی این نظریه است؛ از سوی دیگر هدف‌ها در این نظریه منبع اصلی هیجان هستند که هیجان مثبت، ناشی از دستیابی به هدف و تصور نزدیک شدن به آن است، درحالی‌که هیجان منفی، ناشی از شکست در دستیابی به هدف یا دور شدن از آن است. ۲- تفکر گذرگاه^{۱۶}: این‌گونه تفکر عبارت است از توانایی ادراک‌شده فردی برای شناسایی و ایجاد مسیرهای به سمت هدف است، چراکه در این مسیر امکان شکست وجود دارد و افراد برای مقابله با موانع احتمالی، چندین گذرگاه را در نظر می‌گیرند (الله‌بخشی و قمری، ۱۳۹۶). ۳- تفکر عامل^{۱۷}: این بعد از نظریه اشنایدر، جنبه انگیزشی دارد و برای به حرکت درآوردن فرد در مسیرهای در نظر گرفته‌شده برای رسیدن به هدف است. همچنین این تفکر به دو روش متفاوت افزایش می‌یابد: اول آنکه به‌طور مستقیم هدف قرار می‌گیرد و روش دوم به‌طور غیرمستقیم با تقویت تفکر گذرگاه انجام می‌گیرد.

طبق نظریه امید اشنایدر، ابعاد امید بر یکدیگر اثر متقابل دارند. همچنین تعیین اهداف مهم، به افزایش انگیزه منجر می‌شود و این انگیزه برانگیخته‌شده، به‌نوبه خود ممکن است به یافتن گذرگاه کمک کند، در نتیجه، عامل و گذرگاه یکدیگر را تقویت می‌کنند و اثر متقابل دارند تا فرایند تعقیب هدف ادامه یابد (پرچم، فاتحی‌زاده و محققیان، ۱۳۹۲).

پژوهشگران متعددی بر روی منابع امید و عوامل مؤثر بر آن مطالعاتی را انجام داده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، افشانی و جعفری (۱۳۹۵)، در پژوهش خود که با هدف بررسی رابطه دین‌داری و امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه یزد انجام گرفت، به این نتایج دست یافتند که ابعاد اعتقادی، عاطفی، پیامدی و دانشی با امید به آینده رابطه مثبت و معناداری

15. Goal Thinking

16. Pathway Thinking

17. Agency Thinking

دارند. در پژوهشی دیگر که توسط فرخ‌نژاد کشکی، محمدی و حقیقتیان (۱۳۹۷) با هدف بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در امید به آینده حاشیه‌نشینان تبریز انجام گرفت، نشان داده شد که عوامل جامعه‌شناختی سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، حمایت اجتماعی، دین‌داری و همچنین محرومیت نسبی در امید به آینده حاشیه‌نشینان تأثیر به‌سزایی دارد. در پژوهش شیردل (۱۴۰۳) که با هدف بررسی عوامل مؤثر در امید به آینده جوانان شهر زاهدان انجام گرفت، مشخص گردید که افرادی که دارای سرمایه اجتماعی و حمایت‌هایی اجتماعی و اقتصادی قوی باشند از احساس امید به آینده بیشتری برخوردار هستند که خود موتور پیشرفت فرد و جامعه می‌شود. در مطالعه‌ای دیگر که توسط یوسفی‌نژاد، فتحی، محمدی‌فخر و زهدی (۱۴۰۳)، با هدف نقش میانجی تاب‌آوری در رابطه تجارب معنوی در پیش‌بینی امید به زندگی دانشجویان انجام شد، به این نتیجه رسیدند که تجارب معنوی و تاب‌آوری متغیری تأثیرگذار بر امید به زندگی دانشجویان است؛ بنابراین، در برنامه‌های مراقبتی مواردی همچون حمایت، تسهیل و توجه به تمایلات و نیازهای معنوی افراد بایسته است که مورد توجه قرار گیرند.

با توجه به آنچه که ذکر شد، پژوهشگران همواره در پی آن بوده‌اند منابع امید به زندگی را در اقسام مختلف از جامعه با رده‌های سنی متفاوت مورد واکاوی قرار دهند؛ اما تاکنون کمتر پژوهشی بر روی منابع امید به زندگی کودکان کار به صورت نظام‌مند انجام گرفته است؛ از سوی دیگر با بررسی ادبیات پژوهشی در ایران با خلأ جدی در زمینه منابع امید به زندگی کودکان کار روبه‌رو می‌شویم؛ بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به پرسش منابع امید به زندگی کودکان کار چیست؟ بود. از جهتی تعداد کودکان کار به واسطه شرایط اقتصادی و اجتماعی افزایش یافته‌اند که آن‌ها در معرض آسیب‌های جسمی، روانی، اجتماعی و آموزشی فراوانی قرار داده است. بررسی منابع امید به زندگی آن‌ها می‌تواند به درک بهتر سازوکارهای تاب‌آوری و مقاومتشان در برابر این چالش‌ها کمک کند و پایه‌ای برای مداخلات بهتر ایجاد کند.

روش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام گرفت. جامعه مورد مطالعه شامل کودکان کار ساکن شهر کرمانشاه بود که از این جامعه، نمونه‌ای ۱۲ نفره (۹ پسر و ۳ دختر) به روش نمونه‌گیری در دسترس و با در نظر گرفتن اصل اشباع^{۱۸} انتخاب شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بودند از: ۱- داشتن تمایل به حضور و بیان تجاربشان؛ ۲- ساکن شهر کرمانشاه؛ ۳- بازه سنی بین ۱۲ تا ۱۷ سال؛ و ۴- سابقه کار. ملاک خروج از پژوهش نیز «عدم همکاری کافی با پژوهشگران در زمان انجام مصاحبه» بود.

جهت جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده گردید. فرم مصاحبه شامل ۹ پرسش بود. در ابتدا مصاحبه با یک پرسش کلی که «چندساله داری کار می‌کنی و چه کارهایی انجام دادی؟» آغاز می‌شد. در ادامه با توجه به کیفیت روند گفتگو و توضیحات مشارکت‌کنندگان و با در نظر داشتن هدف پژوهش، پرسش‌های جدیدتری پرسیده می‌شد. پرسش‌های کلی و به صورت باز پاسخ بودند. سایر پرسش‌های بالقوه مصاحبه بدین قرار بودند: ۱- به نظرت امید چیه؟ چجوری میشه تعریفش کرد؟ ۲- تا حالا شده احساس کنی میزان امیدت کم یا زیاد شده؟ ۳- چه چیزی موجب میشه که احساس امید بکنی؟ ۴- آخرین باری که احساس امید کردی کی بود و چه تأثیری روی تو داشت؟

کلیه مصاحبه‌ها در فضای تعیین‌شده توسط مشارکت‌کنندگان انجام گرفت و هر مصاحبه تقریباً بین ۴۰ تا ۷۰ دقیقه به طول انجامید. جمع‌آوری داده‌ها در بازه زمانی شهریور الی مهر ۱۴۰۳ انجام شد. انتخاب مشارکت‌کنندگان بر اساس اصل اشباع انجام گرفت؛ بدین صورت که پس از انجام ۱۰ مصاحبه و بررسی مفاهیم، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که اطلاعات تقریباً تکراری شده و نکات کلیدی جدیدی شناسایی نمی‌گردد؛ بنابراین دو مصاحبه دیگر نیز انجام گرفت تا از اشباع مقوله‌ها اطمینان حاصل گردد. لازم به ذکر است که برای رعایت اصول اخلاقی در پژوهش، در ارتباط با اهداف پژوهش حاضر، ضبط صدا و محرمانه ماندن هویت شرکت‌کنندگان، توضیحات لازم به آن‌ها داده شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از شیوه تحلیل پدیدارشناختی کلایزی^{۱۹} صورت گرفت. طبق این روش، هفت گام برای رسیدن به هدف طی شد. در ابتدا، پس از هر

18. principle of saturation

19. Colaizzi's phenomenological analysis method

مصاحبه، به گفت‌وگوهای مصاحبه‌شوندگان گوش داده و بیاناتشان واژه به واژه مکتوب گردید و تمام توصیف‌ها و تجربه‌های آن‌ها به‌طور دقیق خوانده شد. در مرحله دوم، اطلاعات و عبارات مهمی که به منابع امید به زندگی مشارکت‌کنندگان مربوط می‌شد، مشخص شد. در مرحله بعدی، مفاهیمی که مشخص‌کننده معنی و بخش اصلی و محوری صحبت‌های فرد بود، کدگذاری شد. در مرحله چهارم، به‌منظور گروه‌بندی و تشکیل دسته مضامین، پژوهشگران مفاهیم استخراج‌شده را بر اساس مشابهت مفاهیم، در دسته‌های خاص مرتب‌سازی کردند. در مرحله پنجم، به‌منظور توصیف جامع‌تری از پژوهش، نتایج یکپارچه و گروه‌های کلی‌تری ساخته شد. سپس در مرحله ششم ادراکی تا حد امکان بدون ابهام، مختصر و واقعی از منابع امید به زندگی کودکان کار ارائه و نهایتاً در مرحله هفتم که مرحله معتبرسازی نهایی بود، نظر مشارکت‌کنندگان در مورد توصیف انجام‌شده نهایی پرسیده شد و در صورت لزوم کدها و طبقات مورد تجدیدنظر قرار گرفتند.

جدول شماره ۱: اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان پژوهش

کد	جنسیت	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	سابقه کار (سال)
۱	مرد	۱۷	متوسطه دوم	مجرد	۲
۲	مرد	۱۲	ابتدایی	مجرد	۲
۳	مرد	۱۷	ابتدایی (ترک تحصیل)	مجرد	۵
۴	مرد	۱۲	متوسطه اول	مجرد	۲
۵	مرد	۱۴	متوسطه اول	مجرد	۱۰
۶	مرد	۱۶	متوسطه دوم	مجرد	۵
۷	مرد	۱۶	متوسطه دوم	مجرد	۴
۸	زن	۱۴	متوسطه اول	مجرد	۳
۹	زن	۱۵	ابتدایی (ترک تحصیل)	متأهل	۴
۱۰	مرد	۱۳	متوسطه اول	مجرد	۵
۱۱	مرد	۱۵	ابتدایی	مجرد	۴
۱۲	زن	۱۴	متوسطه اول	مجرد	۳

در مجموع با ۱۲ شرکت‌کننده (۹ نفر پسر و ۳ دختر) مصاحبه شد که میانگین سن آن‌ها

۱۴/۵۸ سال بوده است. همچنین سطح تحصیلات ۲ نفر از شرکت‌کنندگان مقطع متوسطه دوم، ۵ نفر متوسطه اول و ۴ نفر مقطع ابتدایی بود که ۲ نفر از آن‌ها ترک تحصیل کرده بودند. ۱۱ نفر از مصاحبه‌شوندگان مجرد و ۱ نفر متأهل بود. میانگین سابقه کاری مشارکت‌کنندگان نیز ۴ سال بود (جدول شماره ۱).

جهت تأمین کیفیت پژوهش، از سه ملاک قابلیت اعتبار، تأییدپذیری و قابلیت اطمینان استفاده گردید. جهت کسب قابلیت اعتبار تلاش شد تا مشارکت‌کنندگان با حداکثر تنوع تجربیات انتخاب شوند؛ به‌علاوه، جهت روایی محتوا، از پنل خبرگان و نیز بازبینی رونوشت مصاحبه‌ها و مطالعه گزارش توسط مشارکت‌کنندگان استفاده شد. به‌منظور برآوردن مالک تأییدپذیری نتایج، یافته‌ها با پیشینه نظری و پژوهشی مقایسه و مورد تبیین واقع گردید. در مورد مالک قابلیت اطمینان نیز کوشش به عمل آمد تا فرایندهای پژوهش به‌صورت شفاف و مستند در متن گزارش تشریح گردد.

یافته‌ها

نتایج تحلیل پدیدار شناختی ادراک کودکان کار از منابع امید به زندگی منجر به شکل‌گیری دو مضمون اصلی «منابع بیرونی امید» و «منابع درونی امید» شد. مضمون اصلی اول خود شامل دو مضمون فرعی و مضمون اصلی دوم شامل سه مضمون فرعی بود که در جدول شماره ۲ آمده‌اند.

جدول شماره ۲: نتایج تحلیل کیفی ادراک کودکان کار از منابع امید به زندگی

نکات کلیدی	مضامین فرعی	مضامین اصلی
حضور افراد دلگرم‌کننده و حامی در زندگی	حمایت بیرونی به‌عنوان عامل دلگرمی‌بخش	منابع بیرونی امید
باور به حمایت و کمک از سوی خداوند		
لزوم کمک به حفظ بقا و بهبود وضعیت نامطلوب خانواده و	خانواده به‌عنوان عامل برانگیزاننده	

عزیزان	
لزوم جبران زحمات والدین در آینده	
منابع درونی امید	ادراک خود به عنوان تنها عامل مؤثر در بهبود شرایط
	پذیرش فقدان حامی و واقف شدن به نقش پررنگ خود در زندگی خود و خانواده خودباوری به عنوان منبع انگیزه درونی
	غنیمت شماری جوانی و سلامتی خود و توانایی کار کردن
	آگاهی نسبت به اهداف و انگیزه دستیابی به آنها
ادراک شفافیت اهداف و ادراک تحقق پذیری آنها	باور به نتیجه بخش بودن تلاش ها و امکان پذیری ساخت آینده ای بهتر
	دیدن نشانه هایی از پیشرفت
همگانی دانستن رنج انسانی به عنوان سپر ناامیدی	باور به مشترک بودن وجود مشکلات در همه انسان ها

۱. «منابع بیرونی امید»

«منابع بیرونی امید» به آن دسته از عواملی اشاره دارد که خارج از فرد است و از نظر او بر منابع امید به زندگی اش تأثیرگذار است که خود شامل «حمایت بیرونی به عنوان عامل دلگرمی بخش» و «خانواده به عنوان عامل برانگیزاننده» بود. اولین مضمون فرعی «حمایت بیرونی به عنوان عامل دلگرمی بخش» به نقش تسکینی آن در زندگی کودکان کار اشاره دارد، نقش تسکینی مضمون مذکور از دو طریق حضور افراد حمایت گر و باور به خداوند در زندگی ایفا می شود؛ به عنوان نمونه، شرکت کننده کد ۸ بیان کرد: «همیشه امید نداشتما خیلی وقتها امید کم شده ولی دیگه به امید خدا ازش گذشتم و سپردمش دست خدا و تموم.

مامانم برای هر کاری که همیشه میگه امید خدا منم مثل اون شدم که همش میگم امید به خدا». مشارکت‌کننده کد ۴ نیز بیان نمود: «من خودم امیدم به خداست. چیزی که بیشتر مواقع بهم کمک میکنه خداست. خیلی وقتا بود که امیدم کم شده چون یه سری مشکلات بودن که سخت حل میشدن اما وقتی با کمک دیگران یکم از اون مشکلات حل میشدن امیدم بیشتر میشد بین تا خدا نخواه هیچی حل نمیشه و من همیشه به خدا امیدوارم. تازه یه چیزی میگن که خدا هرکسیو بیشتر دوست داره خیلی اذیتش میکنه و زجرش میده بعد بهش راحتی میده منم امیدم به خداست و بس». همچنین مصاحبه‌شونده کد ۶ بیان کرد: «اگه کنار نیام با این مشکلات دیگه کار نیست و اگه این کارو از دست بدم دیگه کاری نیست که برم ولی تو این دنیا دلم به پدر و مادرم گرمه. خیلی که ناراحت بشم اونا هستن». مضمون فرعی دوم، «خانواده به‌عنوان عامل برانگیزاننده» است. در این مضمون خانواده در نقش‌آفرینی امید به زندگی کودکان کار به شکل دو سویه عمل می‌نماید به این شکل که از یک‌سو با وضعیت اقتصادی و اجتماعی با سطح پایین و از سوی دیگر با ایفای نقش مثبت در والدگری به‌عنوان نقطه محرکی در جهت امید به زندگی عمل می‌کند؛ به‌عنوان مثال، شرکت‌کننده شماره ۲ اظهار داشت: «چجوری بگم همش اینه که تلاش کنم هی تلاش کنم تا برم تو سپاه همین. اینجوری باعث میشه که مامان و بابام توی شرایط خوبی باشن. من همیشه به دوستای خودمم میگم که باید تلاش کنن تا به هدفشون برسن. همیشه اینو به پسرعمم میگم». همچنین شرکت‌کننده شماره ۱۲ بیان نمود: «کمک به خانواده و سهمی که تو این خانواده داری باید ادا کنی و به نظرم پدر و مادر به تو کمک میکنن و شرایط مدرسه رفتن برات فراهم میکنن و تو هم از طرفی موظفی که یه سری کارا و وظیفه‌تو انجام بدی».

۲. «منابع درونی امید»

این مضمون اصلی شامل سه مضمون فرعی تحت عنوان «ادراک خود به‌عنوان تنها عامل مؤثر بهبود شرایط»، «ادراک شفافیت اهداف و ادراک تحقق‌پذیری آن‌ها» و «همگانی دانستن رنج انسانی به‌عنوان سپر ناامیدی» می‌باشد.

مضمون فرعی اول تحت عنوان ادراک خود به‌عنوان تنها عامل مؤثر بهبود شرایط است که کودکان با مشاهده شرایط خانوادگی درمی‌یابند در ساختن آینده و زندگی خود

نمی‌توانند به منابع بیرونی اتکا نمایند؛ بنابراین به این امر مهم پی می‌برند باید به توانایی‌ها و نقاط قوت خود از جمله جوانی و سطح انرژی بالا اتکا نمایند و در نهایت راهبرد آنان از اتکا بیرونی به اتکا درونی تغییر یافته و به‌عنوان واسطه‌ای برای امید کودکان عمل می‌کند؛ به‌طورمثال، شرکت‌کننده شماره ۱ اظهار داشت: «دیگه امیدم اینه که کار کنم و تلاش کنم چون برخلاف بقیه که همش خانه بودن و باباشون خرجشونو دادن، من از خودم کار میکنم و این امیدو دارم که میتونم کار بکنم و ما فقط خودمونیم و کسی نیست که خرجمونو بده». همچنین شرکت‌کننده شماره ۲ شماره بیان کرد: «هرچی پول هست جمع می‌کنم و پس‌انداز میکنم و چیزی که بهم انگیزه میده اینه جوونم و سرپام و میتونم شغلی چیزی پیدا کنم». در مصاحبه‌ای دیگر، شرکت‌کننده شماره ۱۲ بیان نمود: «امید یه نوع دلگرمیه و تو بعضی از شرایط باعث میشه که آدم تسلیم نشه و یجورایی شبیه یه برگ برندس و یه نور روشن تو تاریکیه و اگه بخوای میتونی پیداش کنی».

دومین مضمون فرعی را می‌توان نتیجه مضمون فرعی اول دانست؛ زیرا کودکان کار هنگامی که درمی‌یابند باید برای زندگی خود متکی بر نقطه درونی باشند، اهداف و دورنمای زندگی خود را با شفافیت هرچه تمام‌تر رسم می‌کنند و در مقایسه با گذشته با برنامه‌ریزی منظم‌تر از قبل حرکت می‌کنند؛ در نتیجه، متوجه تغییرات مثبت حاصل از شفافیت در اهداف خواهند شد و همین امر باور به تحقق‌پذیری اهداف را در ذهنشان پررنگ می‌نماید، از همین رو امید به زندگی را در آنان بیش‌ازپیش تقویت می‌نماید. شرکت‌کننده شماره ۱۲ در این‌باره گفت: «دوست دارم که پزشک بشم اونم جراح قلب چون یه جورایی بیشتر مسائل عاطفی و مشکلات رو قلب تأثیر میذاره و دوست دارم قلب آدمارو درمان کنم یعنی جسمشون برعهده منه و روحشون پای خودشونه و باید خودشونو درمان کنن». شرکت‌کننده شماره ۷ اظهار داشت: «وقتی نمره‌هام خوب میشه امیدم بیشتر میشه و وقتی کم میشه ناامیدی و ناراحتیم زیاد میشه. برای من امید درسه که با درس به یه جایی برسم». همچنین شرکت‌کننده کد ۱۱ اشاره نمود: «می‌خوام که در آینده بتونم یه شغل درست و حسابی داشته باشم نه فقط به خاطر درآمد بیشتر برای اینکه دستم جلوی کسی دراز نباشه و اینکه دوست دارم که رشته انسانی برم تا بتونم دبیری قبول بشم چون کار

با بچه‌هارو دوست دارم کلا فکر می‌کنم که اگر درسمو ادامه بدم خیلی آینده بهتر از الان بشه و اینکه می‌تونم به یه شغلی برسم و درآمدی داشته باشم».

آخرین مضمون فرعی «همگانی دانستن رنج انسانی به‌عنوان سپر ناامیدی» است و بر آن دلالت دارد که کودکان کار هنگامی که واقف به همگانی بودن مشکل در مکان‌های مختلف اعم از محیط کار، مدرسه و در کنار همسالان خود که در وضعیت مشابه با خود بودند، به این نتیجه مهم می‌رسند که تنها آنها در این وضعیت نیستند و همین امر از ویژگی منحصر به فرد بودن مشکلاتشان می‌کاهد و مشکلات را از سایه انحصار به سایه اشتراک می‌رساند و در نهایت تمامی عوامل ذکر شده در سطور فوق به‌عنوان نیرویی جهت امید به زندگی کودکان کار ایفای نقش می‌نماید، شرکت‌کننده شماره ۱۰ اظهار داشت: «حتی خوشحالی بقیه هم می‌تونه باعث نور بشه و یا با حال خوب بقیه می‌تونی امید بگیری و روحیه بگیری و یا حتی می‌تونی به اینم فکر بکنی که کسی بی‌مشکل نیست».

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به‌منظور شناسایی منابع امید به زندگی کودکان کار شهر کرمانشاه انجام شد. پس از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های مربوط به تجارب زیسته کودکان کار در ادراک منابع امید به زندگی، دو دسته منبع درونی و بیرونی امید استخراج گردید. آنچه به‌عنوان «منابع بیرونی امید» استخراج شد شامل «حمایت بیرونی به‌عنوان عامل دلگرمی‌بخش» و «خانواده به‌عنوان عامل برانگیزاننده» بود. همچنین در «منابع درونی امید» مضامین فرعی «ادراک خود به‌عنوان تنها عامل مؤثر در بهبود شرایط»، «ادراک شفافیت اهداف و ادراک تحقق‌پذیری آن‌ها» و «همگانی دانستن رنج انسانی به‌عنوان سپر ناامیدی» به‌دست آمدند. برخی از مضامین شناسایی‌شده در پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های پیشین مشترک بوده و برخی دیگر نیز دستاورد منحصر به این پژوهش است. پژوهش‌هایی مانند بتول و بیلال (۲۰۲۲) و احمدوند (۱۴۰۱) به زمینه علل کار از سوی کودکان پرداخته‌اند و عواملی همانند فقر خانواده، کار نکردن والدین و وضعیت بد اقتصادی را موجب کار آنان می‌دانستند و از همین رو یافته‌های ما از جمله لزوم حفظ بقای خانواده و بهبود وضعیت نامطلوب خانوادگی با یافته‌های آنها همسو هستند. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که

کودکان کار با مشاهده وضعیت خانوادگی خود که در فقر و تنگدستی به سر می‌برند و همچنین اینکه والدین خود را در تأمین حداقل‌های زندگی فرزندان از جمله تأمین مسکن و غذا و به‌طور کلی زندگی متعادل ناتوان می‌بینند، به این نتیجه می‌رسند که جهت بهبود این وضعیت خانوادگی باید گام مهم و مؤثری بردارند و در طی فرایند درک و دریافت شرایط خانوادگی، جابه‌جایی در نقش فرزندی و والدینی صورت می‌گیرد؛ بدین‌شکل که کودکان کار اینک خود را در نقش والدین و نان‌آور خانواده ناتوان خود می‌یابند تا بدین‌صورت در زدودن سایه فقر از خانواده تلاش و همت خود را به‌کار بندند و در این میان تأثیر منفی فقر در کودکان کار از دست می‌رود و در سایه تأثیرات مثبت امید‌پدیدار می‌گردد و همین فقر خانوادگی تبدیل به نقطه امید برای این دسته از کودکان می‌گردد که به‌طور جدی‌تر به دنبال شغلی مناسب باشند که بتوانند هرچه سریع‌تر سایه فقر را از دامان خانواده برهانند، یافته مورد بحث با یافته کورنیاوان^{۲۰} (۲۰۲۴) و هانگ، لوییس، ساوسان و اسمیت^{۲۱} (۲۰۲۱) در پی این عامل که فقر خانواده و ناتوانی در برقراری ثبات اقتصادی تبدیل به منبع امید در کودکان کار می‌شود، همسو است.

در پژوهش حاضر، علاوه بر آنکه خانواده به‌عنوان یکی از منابع بیرونی امید در کودکان کار ایفای نقش می‌نماید، نقش عوامل مذهبی تحت عنوان باور به حمایت و کمک از سوی خداوند نیز حائز اهمیت است، بدین‌شکل که فرد باورمند به خدا، خود را تحت حمایت کامل خدا می‌داند و تمامی رویدادهای زندگی از جمله مشکلات را نوعی آزمایش الهی تلقی می‌کند. همین اعتقاد و باور موجب می‌شود که مجموعه رهنمودهایی برای نحوه گذراندن زندگی فراهم آورد؛ بنابراین باورمندی به حمایت خداوند را می‌توان با مقوله تفکر عامل در نظریه امید اشنایدر (Ward, 2006) همسو دانست، بدین‌معنا که کودکان کار از طریق باورمندی به خداوند، به‌صورت غیرمستقیم با شرایط نابسامان زندگی‌شان مقابله می‌کنند و از طریق همین جنبه انگیزشی غیرمستقیم، پیوندی میان تفکر عامل و تفکر گذرگاه برقرار می‌نمایند. بدین‌شکل آن‌ها از طریق این تصور که خداوند درنهایت از آنان حمایت خواهد کرد و

20. Kurniawan

21. Hong, P. Y. P., Hong, R., Lewis, D., Swanson, M. V., & Smith, M. A.

روزهای خوش را نشان خواهد داد، یعنی تفکر عامل و امید به آینده؛ به دنبال شغل و دست یافتن به درآمد خواهند رفت تا بدین شکل مسیر آینده را برای خود و خانواده هموارتر نمایند و این اقدام با تفکر گذرگاه در نظریه امید اشنایدر معادل است (Snyder, 2000)؛ یافته‌های پژوهش حاضر در زمینه نقش مثبت مذهب و به طور اخص باورمندی به خداوند در افزایش امید به زندگی با یافته‌های (Kraus & Desmond, 2025; Hutahaeen, Stutterheim & Jonas, 2025) همسو است.

در سطور فوق به منابع بیرونی امید پرداختیم، طبق یافته‌های پژوهش حاضر کودکان کار در منابع امید به زندگی، علاوه بر منابع بیرونی، بر منابع درونی امید نیز متکی هستند؛ یکی از منابع درونی امید تحت عنوان ادراک خود به عنوان تنها عامل مؤثر در بهبود شرایط به دست آمده است؛ این منبع درونی را می‌توان پیامد مستقیم منبع بیرونی خانواده به عنوان برانگیزاننده به شمار آورد، به این معنا هنگامی که کودکان به درک این موضوع نائل شوند که پدر و مادر در تأمین عوامل حیاتی زندگی ناتوان هستند و با ادامه وضعیت نابسامان و مشاهده تفاوت‌های ناشی از فقر به این نتیجه مهم دست می‌یابند که برای تغییر وضع موجود تنها قادر هستند که بر خود و توانایی‌هایشان متکی باشند، در این شرایط کودکان کار در موقعیت اگزستانسیالی قرار می‌گیرند که با یکی از انواع دلوپسی‌های غایی یعنی تنهایی به معنای والد خود بودن مواجه می‌شوند (May & Yalom, 2005) و در این شرایط کودکان به این درک مهم می‌رسند که با شرایط موجود، خود مسئولیت زندگی را برعهده دارند، به طور کلی در چنین شرایطی یعنی والد خود بودن کودکان کار موجب می‌گردد امید به زندگی در آنان افزایش یافته و مسیر شغلی را به صورت جدی‌تر ادامه دهند و قرار گرفتن کودکان در موقعیت فوق از سویی موجب می‌شود که کودکان بیش از پیش زحمات و رنج والدین خود را درک کرده و یافته پژوهش حاضر با یافته سیمبر، حسین‌خانزاده و ابوالقاسمی (۱۳۹۸) براین اساس که سختی کار موجب شکل‌گیری دلبستگی ناایمن نسبت به خانواده در کودکان کار می‌شود، ناهمسو است.

از جمله منابع بیرونی امید به زندگی، ادراک شفافیت اهداف و تحقق‌پذیری آنها است، شفافیت در اهداف و دستیابی به اهداف تعیین شده را می‌توان یکی از مهم‌ترین منابع امید

به زندگی در کودکان کار برشمرد. چراکه تعیین اهداف منجر به افزایش انگیزه و امید می‌شود و افراد هدفمند بیش از سایر افراد درگیر رفتارهایی جهت دستیابی به اهداف تعیین شده می‌شوند (Cheavens et al., 2019) و انجام رفتارهایی در راستای اهداف تعیین شده به‌منزله دیدن نشانه‌هایی از پیشرفت در کودکان کار بوده و همین امر به طرز اساسی میزان امید به آینده و خوش‌بینی را در آنها تغییر می‌دهد.

آخرین مضمون از مضامین فرعی در منابع درونی امید که می‌توان آن را با نظریه شفقت به خود (Bian, Chen, Fang & Wang, 2025) همسو دانست، عبارت است از: همگانی دانستن رنج انسانی به‌عنوان سپر ناامیدی؛ هنگامی که کودکان کار در فضای کاری قرار می‌گیرند با این انتظار در خود روبه‌رو هستند که تنها و تنها خود در این موقعیت نابسامان قرار گرفته‌اند؛ اما آنچه که انتظار دارند با واقعیت متفاوت است چرا که سایر همسالان خود را در وضعیت کاملاً مشابه با خود مشاهده می‌کنند که تجربه مذکور با دومین مولفه شفقت به خود یعنی انسانیت مشترک در مقابل انزوا یکسان است (Egan, Neff & Germer, 2022). بدین‌معنا که کودکان کار در ابتدا این احساس را دارند که در زندگی روزمره تنها کسانی هستند که با این دست از مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند و همین احساس موجب افزایش تجربه حس انزوا و جدایی در آنان می‌شود؛ اما هنگامی که در بستر کار و ارتباط با سایر کودکان کار قرار می‌گیرند، بارقه‌هایی از همدلی و اشتراک در فضای عاری از انحصار شکل گرفته و همین امر می‌تواند بدل به نیروی محرکه‌ای برای کودکان گردد تا بیش‌ازپیش جهت تغییر شرایط و اوضاع زندگی خود کوشش نمایند؛ درنهایت از احساس تنهایی آنان کاسته شده و ارتباط بیشتری با سایر هم‌نوعان خود پیدا می‌کنند.

درنهایت می‌توان اظهار داشت که منابع بیرونی امید به‌عنوان نقطه شروع چرخه امید به زندگی کودکان کار عمل می‌کنند و منابع درونی امید به‌عنوان منابع تداوم‌بخش چرخه امید به زندگی در زندگی کودکان کار ایفای نقش می‌نمایند.

مطالعه حاضر با وجود ارائه بینش‌های ارزشمند در خصوص ادراک کودکان کار از منابع امید به زندگی در شهر کرمانشاه، با محدودیت‌هایی نیز مواجه است. نخست آنکه، ترکیب جنسیتی شرکت‌کنندگان نشان داد که تعداد دختران در نمونه پژوهش بیشتر از پسران

بوده است که این امر می‌تواند بر دیدگاه‌ها و تجربیات گزارش‌شده تأثیرگذار باشد. دوم آنکه، ماهیت کیفی این پژوهش، با تمرکز بر عمق و غنای داده‌ها، امکان تعمیق‌پذیری یافته‌ها به سایر جوامع آماری بزرگ‌تر یا شهرهای دیگر را محدود می‌سازد. درنهایت، لازم به ذکر است که این مطالعه در شهر کرمانشاه انجام شده و تجربیات زیسته کودکان کار در این شهر ممکن است تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خاص این منطقه قرار داشته باشد و لزوماً بازتاب‌دهنده تجربیات کودکان کار در سایر نقاط کشور نباشد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش کیفی در شهر کرمانشاه، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، پژوهش‌های مقایسه‌ای در سایر شهرهای ایران با بافت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت انجام شود تا درک جامع‌تری از منابع امید به زندگی در میان کودکان کار در سطوح ملی حاصل گردد. همچنین، با تکیه بر منابع امید به زندگی شناسایی‌شده در این پژوهش، طراحی و اجرای بسته‌های آموزشی هدفمند جهت ارتقای سطح امیدواری در کودکان کار پیشنهاد می‌گردد. ارزیابی اثربخشی این مداخلات آموزشی نیز می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی قرار گیرد. علاوه‌براین، انجام مطالعات طولی برای بررسی تغییرات ادراک کودکان کار از منابع امید به زندگی در طول زمان و تحت تأثیر عوامل مختلف می‌تواند بینش‌های ارزشمندی را فراهم آورد. پژوهش‌های کمی با نمونه‌های بزرگ‌تر نیز می‌تواند به سنجش میزان شیوع و ارتباط بین متغیرهای مرتبط با امید به زندگی در این گروه از کودکان بپردازد.

نتایج این پژوهش می‌تواند به‌عنوان مبنای ارزشمند در طراحی برنامه‌های آموزشی و مداخله‌ای ویژه کودکان کار استفاده شود. توصیه می‌شود که یافته‌های این پژوهش در محتوای آموزشی ارائه شده به این کودکان گنجانده شود تا با تقویت منابع امید درونی و بیرونی، به بهبود کیفیت زندگی و افزایش تاب‌آوری آنان کمک شود. همچنین، اطلاعات به‌دست آمده از این مطالعه، دیدگاه‌های عمیقی را در اختیار مددکاران اجتماعی، مشاوران و روان‌شناسان فعال در حوزه کودکان کار قرار می‌دهد تا در ارائه خدمات حمایتی و مشاوره‌ای خود، رویکردی آگاهانه‌تر و مؤثرتر اتخاذ نمایند. پیشنهاد می‌گردد کارگاه‌های آموزشی تخصصی برای این متخصصان بر مبنای یافته‌های این پژوهش برگزار شود تا

آنان را در شناسایی و تقویت منابع امید در کودکان کار توانمند سازد. علاوه بر این، نهادهای دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه حقوق کودکان می‌توانند از نتایج این پژوهش در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی جامع‌تر و متناسب‌تر با نیازهای روان‌شناختی این گروه آسیب‌پذیر بهره ببرند.

منابع

- احمدوند، امین (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی مسئله کودکان کار، سخنرانی ارائه شده در نهمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روان‌شناسی و مشاوره، شیروان، ایران. احمدی، کامیل (۱۴۰۰). *ردپای استثمار در جهان کودکی*، دانمارک: آوای بوف.
- افشانی، سیدعلیرضا و جعفری، زینب (۱۳۹۵). رابطه دینداری و امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه یزد. *مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۶(۲)، ۲۱۰-۱۹۱.
- اله‌بخشی، بی‌تا و قمری، محمد (۱۳۹۶). رابطه هوش معنوی، امید به زندگی با میزان سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل. *اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ، آسیب‌شناسی روانی و تربیت*. تهران، ایران.
- پرچم، اعظم؛ فاتحی‌زاده، مریم و محققیان، زهرا (۱۳۹۲). ابعاد سه‌گانه نظریه امید اسنایدر و تطبیق آن با دیدگاه قرآن. *فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، ۱۱(۱)، ۱-۳۰.
- پیرخندان، پریسا؛ پروین، ستار و سیاهپور، فاطیما (۱۴۰۰). گونه‌شناسی کار کودکان و آسیب‌های ناشی از آن بر کودکان کار در شهر تهران. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۸(۲۸)، ۱۰۸-۱۱۵.
- حیدری، زینب (۱۴۰۱). مقایسه امید به زندگی، سلامت روان و سازگاری اجتماعی در کودکان کار و عادی شهرستان خرم‌آباد. سخنرانی ارائه‌شده در سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی؛ دبی، امارات متحده عربی.
- سیمبر، ثنا؛ حسین‌خانزاده، عباسعلی و ابوالقاسمی، عباس (۱۳۹۸). امید به آینده، سبک‌های دل‌بستگی و مشکلات هیجانی-رفتاری در کودکان کار. *فصلنامه سلامت روان کودک*،

۶(۳)، ۶۵-۵۱.

شیردل، الهام (۱۴۰۳)، تبیین جامعه شناختی عوامل موثر بر امید به آینده در جوانان شهر زاهدان، *آینده پژوهی انقلاب اسلامی*، ۳(۵)، ۷۱-۹۰.

فرخ‌نژاد کشکی، داوود؛ محمدی، اصغر و حقیقتیان، منصور (۱۳۹۷). بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در امید به آینده حاشیه‌نشینان تبریز. *مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۸(۲۹)، ۸۱-۱۰۸.

کاظمی، سیمین (۱۳۹۶). کودکان کار: در جهانی که نساخته‌اند. *فصلنامه مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت*، ۴(۲)، ۷۶-۷۸.

همشهری آنلاین (۱۴۰۱). آمار هولناک کودکان کار و کودکان خیابانی در ایران. برگرفته از www.hamshahrionline.ir. ۱۰ آبان ماه ۱۴۰۱.

یوسفی‌نژاد، احمد؛ فتحی، فاطمه؛ محمدی فخر، اعظم و زهدی، فاطمه (۱۴۰۳). نقش تجارب معنوی در پیش‌بینی امید به زندگی دانشجویان با میانجی تاب‌آوری. *پژوهش در دین و سلامت*، ۱۰(۴)، ۱۶-۲۸.

<https://doi.org/10.22037/jrrh.v10i4.43547>

Batool, A. & Bilal, M. (2022). Understanding child labour: the debate of children's mental and physical health in Pakistan. *Journal of Humanities, Social & Management Sciences*, 3(1), 217-229.

Bian, J., Chen, F., Fang, S., & Wang, Y. (2025). Self-Compassion Intervention Programs for Nurses: A Scoping Review. *Healthcare*, 13(2), 177.

Cheavens, J. S., Heiy, J. E., Feldman, D. B., Benitez, C., & Rand, K. L. (2019). Hope, goals, and pathways: Further validating the hope scale with observer ratings. *The Journal of Positive Psychology*, 14(4), 452-462.

Cheraghi, M. A., Khoshnavay Fomani, F., Ebadi, A., Gartland, D., & Ghaedi, Y. (2021). Hope Under The Shadow of Fear and Uncertainty: Resilience Factors Among Working Adolescents. *Nursing Practice Today*, 8(2), 155-166.

Egan, H., Neff, K. D., & Germer, C. K. (2022). Self-Compassion: Theory, Method, Research, and Intervention. *Annual Review of Clinical Psychology*, 19, 1-28.

Hong, P. Y. P., Hong, R., Lewis, D., Swanson, M. V., & Smith, M. A. (2021). "Hope is greater than barriers": Creating a pathway of hope for low-income families in moving out of poverty. *Journal of Poverty*, 25(5), 409-425.

Hutahaean, B. S., Stutterheim, S. E., & Jonas, K. J. (2025). Religion, Faith, and Spirituality as Barriers and Facilitators to Antiretroviral Therapy Initiation Among People with HIV in Indonesia. *AIDS Patient Care and STDs*, 39(4),

- 160-172.
- International Labour Organization (2018). National child labor strategy and action plan 2018-2030. Research Report, International Labour Organization, Geneva, Switzerland.
- Jayawardana, D., Baryshnikova, N. V., & Cheng, T. C. (2022). The long shadow of child labour on adolescent mental health: a quantile approach. *Empirical Economics*, 64, 77–97. <https://doi.org/10.1007/s00181-022-02241-5>.
- Jijon, I. (2020). The priceless child talks back: How working children respond to global norms against child labor. *Childhood*, 27(1), 63-77.
- Kraus, R., & Desmond, S. A. (2025). “Exceptional Bodies” and Lived Religion: Religious and Spiritual Experiences Among Women With Metastatic Breast Cancer. *Journal for the Scientific Study of Religion*. <https://doi.org/10.1111/jssr.12955>
- Kurniawan, R. (2024). Breaking the Chains of Poverty: Examining the Efficacy of the Family Hope Program in Indonesia and Its Alignment with Policy Theories. *International Journal of Sustainable Development & Planning*, 19(9).
- May, R., & Yalom, I. (2005). *Existential psychotherapy*. Thomson Brooks/Cole Publishing Co.
- Omokhodion, F. O., Omokhodion, S. I., & Odusote, T. O. (2006). Perception of child labour among working children in Ibadan, Nigeria. *Child care: Health and Development*, 32(3), 281-286.
- Pasyar, S., Rezaei, S., & Mousavi, S. V. (2019). Stress-coping Strategies, Attachment Style, and Resiliency of Working children in Tehran, Iran. *Child Indicators Research*, 12(3), 1083-1105.
- Sevinç, M. R., Aydoğdu, M. H. Cançelik, M., Binici, T. & Palabıçak, M. A. (2020). Poverty, Child Labor, and Hope: The Relationship between Hope and Perceived Social Support in Children Working in Street Markets in TRC2 Region of Turkey. *Children*, 7(7), 78.
- Snyder, C. R. (Ed.). (2000). *Handbook of hope: Theory, measures, and applications*. Academic press.
- Unicef (2021). Child labour rises to 160 million – first increase in two decades. Retrieved June 6, 2021, from <https://www.unicef.org/press-releases/child-labour-rises-160-million-first-increase-two-decades>
- Unicef Organization. (2021). Child labour. Retrieved November 16, 2022, from <https://www.unicef.org>
- Ward, D. B. (2006). Moving up the continuum of hope: A qualitative, study of hope and its influence in couples therapy. Unpublished doctoral dissertation, Texas Tech University.